

گزارشی از پایان نامه «جایگاه نقد محتوایی در ارزیابی روایان از دیدگاه رجالین» نوشته حجت الاسلام و المسلمین علی اکبر خدامیان آرانی^۱

علی توحیدی نژاد*

مقدمه

حدیث - که گسترده‌ترین و وسیع‌ترین نقش را در کنار قرآن، به عنوان یکی از دو منبع اصیل معارف دینی ایفا می‌کند - اهمیت و جایگاهی ویژه دارد. گام نخست در اعتماد به حدیث، اطمینان یافتن از صدور آن است و با توجه به همین اهمیت و آسیب‌پذیر بودن احادیث، اعتبارسنجی آن، امری لازم و ضروری به شمار می‌رود. از همین رو، اعتبارسنجی احادیث از دیرباز دغدغه همه محدثان و اندیشمندان بوده که با حدیث در ارتباط‌اند.

برای اعتبارسنجی احادیث، راه‌هایی وجود دارد که یکی از آنها، ارزیابی روایان و رجال موجود در اسناد احادیث است. با توجه به این که قرن‌ها از صدور احادیث می‌گذرد و روایان، فرد به فرد و نسل به نسل این متون را نقل کرده‌اند، آگاهی از احوال روایان، یکی از راه‌های اعتبارسنجی حدیث به شمار می‌رود. این وظیفه مهم بر عهده دانش رجال است و جرح و تعدیل به عنوان یکی از شاخه‌های دانش رجال، بر اساس اطلاعات موجود از روایان، قضاوت نهایی را درباره آنها ارائه می‌کند.

۱. مدرّس مرکز تخصصی حدیث حوزه علمیه قم و پژوهشگر پژوهشکده حدیث حوزه. (khoddamiyan@gmail.com)
* پژوهشگر پژوهشکده حدیث حوزه. (alitohidinejad58@gmail.com)

حاصل این پژوهش این است که یکی از راه‌های ارزیابی راویان، نقد محتوایی روایات آنهاست؛ زیرا بر اساس نشانه‌های فراوانی که در اصول اولیه رجالی شیعه مبنی بر استفاده از این روش در ارزیابی راویان وجود دارد، این امر، ثابت است که عالمان رجالی در کنار راه‌های دیگر ارزیابی راویان، از نقد محتوایی نیز در توثیق یا تضعیف و پذیرش یا ردّ راویان بهره برده‌اند. در میان احادیث نقل شده از معصومان علیهم‌السلام نیز راهکارهایی در نقد محتوایی احادیث به اصحاب ارائه شده که دال بر تأثیر نقد محتوایی در ارزیابی راویان است. با بررسی عملکرد محدثان و دانشمندان در آثار آنان، استفاده از این روش در ارزیابی راویان و پذیرش یا ردّ روایات‌شان فراوان دیده می‌شود.

حجت‌الاسلام و المسلمین علی‌اکبر خدامیان آرانی از مدرّسان «مرکز آموزش تخصصی علوم حدیث حوزه علمیه قم» و پژوهشگر «پژوهشکده حدیث حوزه» است. او در پایان‌نامه کارشناسی ارشد (رساله علمی سطح ۳) پس از شناخت موضوع و پیشینه آن به بررسی تطبیقی نقد محتوایی در ارزیابی راویان می‌پردازد. پایان‌نامه ایشان با نام «جایگاه نقد محتوایی در ارزیابی راویان از دیدگاه رجالیان» با راهنمایی استاد حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر عبدالهادی مسعودی و مشاوره استاد ارجمند جناب آقای سید علی‌رضا حسینی در تاریخ ۱۳۹۴/۳/۱۶ در مرکز تخصصی حدیث دفاع گردید و با رتبه عالی پذیرفته شد.

ساختار پایان‌نامه به صورت درختی است و ابتدا بخش، سپس فصل و پس از آن، زیرفصل‌ها و زیرزیرفصل‌ها آورده شده و مطالب به صورت منسجم و دسته‌بندی ارائه گردیده است. پایان‌نامه متشکل از دو بخش اصلی ذیل است:

۱. شناخت موضوع و پیشینه آن؛
 ۲. بررسی تطبیقی نقد محتوایی در ارزیابی راویان.
- این پایان‌نامه با نتیجه‌گیری و کتاب‌نامه به پایان می‌رسد و در ۱۴۵ صفحه نگاشته شده است. در ادامه گزارشی از آن ارائه می‌شود.

بخش اول. شناخت موضوع و پیشینه آن

نویسنده پس از نگاشتن چکیده و مقدمه، وارد بخش اول «شناخت موضوع و پیشینه آن» شده و این بخش را در سه فصل ارائه می‌دهد.

فصل اول: کلیات

نگارنده در فصل اول کلیاتی از موضوع را ارائه می‌کند. ایشان ابتدا به تبیین موضوع پرداخته است؛ سپس اهمیت و جایگاه موضوع و ضرورت آن را روشن می‌سازد. ایشان در ضرورت این بحث می‌نویسد:

بسیاری از احادیث به دلیل ناشناخته بودن یا مختلف فیه بودن راویان، مبهم باقی مانده و صحت و ضعف و اعتبار و عدم اعتبار آنها مشخص نمی‌شود که در این صورت باید بخش قابل توجهی از احادیث کنار گذاشته شوند؛ ولی در صورتی که وثاقت و ضعف این راویان با توجه به مرویات و منقولات شان مشخص شود، در چگونگی رویکرد به توثیق و تضعیف رجالیان، تأثیری مستقیم خواهد داشت و در نتیجه احادیث نیز دارای صحت و ضعف می‌شوند و نقد و بررسی آنها روشمند و آسان‌تر می‌گردد و لذا موجب برون‌رفت بخشی قابل توجه از روایات ضعیف انگاشته شده از جایگاه حدیث ضعیف در مجموعه معارف دینی خواهد شد.

از اهداف کاربردی این تحقیق، می‌توان به ارائه الگویی جامع برای ارزیابی راویان و رجال موجود در اسناد احادیث اشاره کرد. سپس در این فصل سؤالات اصلی و فرعی، پیشینه و روش تحقیق بیان می‌شود. تحقیق حاضر در بخش گردآوری اطلاعات و داده‌ها از «اسناد نوشتاری» و «نرم‌افزارهای علمی» بهره گرفته است. در تجزیه و تحلیل مطالب نیز از روش «توصیفی تحلیلی» استفاده کرده و پژوهش صورت گرفته در این رساله از نوع پژوهش‌های بنیادی به شمار می‌آید.

فصل دوم: مفهوم، ضرورت، گونه‌ها، معیارها و جایگاه نقد محتوایی

فصل دوم این بخش به مفهوم، ضرورت، گونه‌ها، معیارها و جایگاه نقد محتوایی می‌پردازد و ابتدا به بررسی مفهوم نقد پرداخته است. نقد حدیث عبارت است از «سنجش سند و متن آن با قواعد و معیارهای قطعی و پذیرفته شده، برای آگاهی از صحت و ضعف و نیز درجه اعتبار حدیث» و مراد از نقد، ارزیابی و بررسی علمی متون روایی برای اثبات صحت یا عدم صحت انتساب آن به معصوم علیه السلام، اثبات حجیت یا عدم حجیت آن و نیز بررسی چگونگی دلالت متن حدیث و کشف مراد واقعی معصوم علیه السلام از آن است. سپس مفهوم ارزیابی و مفهوم رجالیان را بررسی نموده و برای نقد روایات به پنج دلیل اشاره می‌کند که عبارت‌اند از اهمیت حدیث، ورود احادیث ساختگی، آسیب‌پذیری احادیث، سیره

عقلا و سیره امامان علیهم السلام و دانشمندان. گونه‌های نقد روایات نیز شامل نقد خارجی یا نقد سند، نقد داخلی یا متن و نقد منبع است.

نگارنده در بحث روش‌های نقد حدیث به دو مسلک وثوق السنندی و وثوق الصدوری اشاره می‌کند.

در مسلک وثوق السنندی، صحت و اعتبار روایت فقط بر اساس اعتبار سند و اثبات وثاقت راویان آن ثابت می‌شود؛ بدین معنا که تک‌تک راویان سلسله سند بررسی می‌گردد و اگر همه آنها موثق و دوازده‌امامی باشند، روایت، صحیح خواهد بود. حال اگر برخی از راویان، توثیق صریحی در کتاب‌های رجالی نداشته باشند، روایت، حسنه است و اگر برخی از آنها دوازده‌امامی نباشند، روایت، موثقه است. اگر برخی از راویان، در کتاب‌های رجالی تضعیف شده باشند، روایت، ضعیف خواهد بود. کسانی که طرفدار وثوق سنندی هستند معتقدند قرائن خارجی مثل شهرت عملی و روایی و غیر اینها باعث اعتبار روایت نمی‌شود، بلکه روایت، تنها زمانی معتبر خواهد بود که سند آن معتبر باشد. در مسلک وثوق الصدوری ملاک اعتبار خبر، تنها وثوق به سند نیست؛ بلکه ملاک، اطمینان به صدور خبر از معصوم علیه السلام است. برای اعتماد به صدور حدیث از معصومان علیهم السلام شواهدی وجود دارد که این شواهد، گاهی سند است، گاهی علو متن، شهرت و... و گاهی مجموعه‌ای از اینها. بر اساس این مبنا ممکن است حدیثی توسط راوی غیرثقه نقل شده یا مرسله باشد، ولی با قرائنی اطمینان پیدا شود که از معصوم علیه السلام صادر شده است. نقد متنی و محتوایی روایت، از راهکارهای بررسی حدیث توسط طرفداران مسلک وثوق صدوری است. در این مسلک هنگامی که از یک سو روایت با معیارها همخوانی داشته باشد و اشکالی در آن دیده نشود و از سوی دیگر دارای قرائن صدور باشد، حکم به اعتبار آن می‌شود؛ ولی اگر این‌گونه نباشد، حدیث، ضعیف خوانده می‌شود. معیارهای آن قرآن، سنت، ضروریات دین، عقل، قطعیات حاصل از حس، تجربه و تاریخ و دوری از اضطراب، غرابت و رکاکت است.

فصل سوم: تأکید معصومان علیهم السلام بر تأثیر نقد محتوایی در پذیرش یا ردّ راویان

فصل سوم از بخش اول به تأکید معصومان علیهم السلام بر تأثیر نقد محتوایی در پذیرش یا ردّ راویان اختصاص یافته است. عرضه روایات در قالب عرضه به قرآن و سنت و امام و اصحاب و تقیه و کتمان اسرار و تحدیث محتوای مورد پذیرش از توصیه‌های معصومان علیهم السلام

بوده است.

خلاصه مطالب این بخش عبارت از این است که امامان علیهم‌السلام بر نقد محتوایی تأکید کرده و تأثیر آن بر پذیرش یا ردّ روایان را گوشزد نموده‌اند. ایشان اصحاب و یاران خود را بر این امر آشنا نموده و راهکارهایی برای آن ارائه کرده‌اند. توصیه به عرضه روایات بر قرآن، سنّت، امام و اصحاب، از جمله راهکارهایی است که معصومان علیهم‌السلام بیان کرده‌اند. عرضه روایات، یکی از مهم‌ترین ادلّه نقد محتوایی احادیث به شمار می‌رود و روشن‌ترین و صریح‌ترین نمونه‌های نقد محتوایی، موارد عرضه روایات است؛ زیرا اصحاب به وسیله عرضه، در پی تأیید یا ردّ محتوا و مهر صحت یا عدم صحت امامان علیهم‌السلام بر احادیث بوده‌اند. همچنین آنان بر تقیه و کتمان اسرار اهتمام ورزیده و اصحاب را به این دو امر توصیه کرده‌اند. توصیه بر تحدیث محتوای مورد پذیرش نیز یکی دیگر فرمایشات معصومان علیهم‌السلام است که بر تأثیر نقد محتوایی بر ارزیابی روایان تأکید دارد که نمونه‌هایی از آن ارائه شد.

بخش دوم. بررسی تطبیقی نقد محتوایی در ارزیابی روایان

این بخش - که به بررسی تطبیقی نقد محتوایی در کتب اصلی رجال می‌پردازد و نمونه‌های عینی آن را بیان می‌کند - دارای چهار فصل است که گزارشی از آن ارائه می‌شود.

فصل اول: مفهوم‌شناسی عبارات دالّ بر نقد محتوایی

فصل اول این بخش به مفهوم‌شناسی عبارات دالّ بر نقد محتوایی اختصاص یافته که شامل عبارات صحت و فساد، یُعرف و یُنکر، اضطراب و تخلیط است که رجالیون برای صحت و فساد از عبارات صحیح الحدیث، صحیح الروایة، صحیح الحدیث سلیمه، واضح الحدیث، واضح الروایة، صحیح الحکایات، جید الحدیث، حدیثه نقیّ، نقیّ الحدیث، سلیم الجنبه، سالم الجنبه، حدیثه قریب من السلامة، فاسد الحدیث، فاسد الألفاظ، لیس حدیثه بالنقیّ، ما یسند إلیه إلا الفاسد المتهافت، روی عنه أحادیث فاسدة، یروی الصحیح و السقیم، یروی عنه الصحیح و السقیم، ضعیف الحدیث، فی حدیثه ضعف، مسکون إلی روایت، مسکون إلیه، لایؤنس بحدیثه و... استفاده کرده‌اند. در اصول اولیه رجالی برای یُعرف و یُنکر از تعبیراتی مانند حدیثه یُعرف و یُنکر، یُعرف حدیثه تارة و یُنکر آخری، حدیثه نعرفه و نُنکره، منکر الحدیث، یروی المناکیر، کثیر المناکیر، فی حدیثه مناکیر، یروی الغرائب، کثیر التفرد بالغرائب و... استفاده متعددی شده است. برای اضطراب، الفاظ

مضطرب، مضطرب الحدیث، حدیثه مضطرب، مضطرب الروایة، ما رأیت شیئاً ینسب إلیه تضطرب فیه النفس و... و برای تخلیط از الفاظ قلیل التخلیط، مختلط الأمر فی حدیثه، مختلط، تخلیط و... در کتب رجالی به کار رفته است. برای مفهوم شناسی هر اصطلاح، در مرحله اول، عبارات کتب رجال و درایه نقل و سپس نتیجه و مفهوم نهایی آن ارائه شده است.

فصل دوم: نشانه‌های نقد محتوایی راویان در اصول اولیه رجالی

فصل دوم به نشانه‌های نقد محتوایی راویان در اصول اولیه رجالی پرداخته است. نشانه‌های نقد محتوایی در *رجال کشی*، توجه به سطح درک و استعداد مخاطبان، تأثیر محتوا بر پذیرش یا ردّ روایات راوی و تأثیر محتوا بر پذیرش یا ردّ نگاه‌شده‌های راوی است. همچنین نشانه‌های نقد محتوایی در *رجال ابن غضائری*، *رجال نجاشی*، *رجال فهرست طوسی* و مواردی که در این کتب، دالّ بر نقد محتوایی است و در ارزیابی راویان اثر نهاده است، چهار بخش موارد دالّ بر قوّت روایات راویان، موارد دالّ بر ضعف روایات راویان، موارد دالّ بر قوّت نگاه‌شده‌های راویان و موارد دالّ بر ضعف نگاه‌شده‌های راویان را دربر می‌گیرد.

در این فصل موارد نقد محتوایی به طور کامل بیان شده و نمونه‌های آن از پنج کتاب رجالی کشی، ابن غضائری، نجاشی، طوسی و همچنین *فهرست طوسی* ارائه شده که دلالت صریحی بر بررسی محتوایی روایات راویان دارد و با توجه به این موارد و کثرت آنها می‌توان پی برد که یکی از راه‌های ارزیابی راویان در نظر عالمان رجالی، نقد محتوایی بوده و بر اساس آن، راویان را بررسی و توثیق یا تضعیف کرده‌اند.

فصل سوم: عملکرد محدثان و دانشمندان در نقد محتوایی روایات راویان

در فصل سوم عملکرد برخی محدثان و دانشمندان که از نقد محتوایی در ارزیابی روایات راویان استفاده کرده‌اند، مورد بررسی قرار گرفته است؛ مانند علامه محمد تقی مجلسی در *شرح من لایحضره الفقیه*، علامه محمد باقر مجلسی در کتاب *مرآة العقول* که شرح کتاب *الکافی* است، شیخ یوسف بحرانی در کتاب *الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة*، محدث نوری در کتاب *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل* و امام خمینی در کتاب *مکاسب محرمة و کتاب الطهارة* و نمونه‌هایی از آنها در این فصل آورده شده است که این موارد، تنها نمونه‌هایی از این

عملکرد محدثان و دانشمندان در زمینه نقد محتوایی بود که بر اساس آن، راویان احادیث را مورد توثیق و تضعیف یا پذیرش و ردّ قرار داده‌اند و قطعاً موارد متعدد دیگری نیز وجود دارد که نیازمند تدوین رساله‌ای مستقل است.

فصل چهارم: تأثیر نقد محتوایی در مبانی حجّیت آرای رجالی و ارزیابی راویان

فصل چهارم این بخش، تأثیر نقد محتوایی در مبانی حجّیت آرای رجالی و ارزیابی راویان را بررسی کرده است. نگارنده ابتدا مبانی حجّیت آرای رجالی را ذکر کرده که شامل پنج مبناست:

۱. حجّیت قول رجالی از باب حجّیت قول ثقه (خبر واحد)؛
۲. حجّیت قول رجالی از باب حجّیت شهادت؛
۳. حجّیت قول رجالی از باب حجّیت ظنون به انسداد صغیر؛
۴. حجّیت قول رجالی از باب حجّیت قول خبره؛
۵. حجّیت قول رجالی از باب وثوق و اطمینان.

وی سپس از تأثیر نقد محتوایی در مبانی حجّیت آرای رجالیان بحث می‌کند و بر اساس مبانی پنج‌گانه چند نکته را یادآور می‌شود:

۱. پذیرفتن اقوال رجالیان بر اساس مبنای حجّیت خبر واحد در صورتی مورد پذیرش است که گزارش احوال راویان، مسند باشد.

۲. مبنای حجّیت اقوال رجالیان بر اساس شهادت و بیّنه نیز مخدوش است؛ زیرا از یک سو شهادت باید گزارشی یقینی و قطعی باشد، در حالی توثیق و تضعیف‌های رجالیان، جز در مواردی اندک، گزارش یقینی و قطعی نیستند؛ بلکه بیشتر بر نقل یا اجتهادهای رجالی استوار است و هیچ‌یک از آنها قطعی و جزمی به شمار نمی‌آیند.

۳. حجّیت اقوال رجالیان بر اساس انسداد صغیر نیز دارای اشکال است. اساس این دلیل، مقدمه دوم آن است که به دست آوردن علم وجدانی و ظنّ معتبر را برای شناخت احادیث صحیح از غیر صحیح، منسّد می‌داند، در حالی که تنها بخشی از این مقدمه صحیح است که آن انسداد علم اجمالی باشد، ولی ظنّ معتبر که راه علمی است منسّد نبوده و برای ما بسته نیست و می‌توان بر اساس تحقیق در اسناد روایات و شناخت راویان و احادیثش، ظنّ معتبر به شناخت احادیث صحیح از غیر صحیح پیدا کرد.

نویسنده در پایان به سؤال اصلی پاسخ می‌دهد. سؤال این است که با پذیرش نقد

محتوایی و اثبات آن به عنوان یکی از راه‌های ارزیابی راویان، آیا در مبانی حجّیت آرای رجالیان، تغییری حاصل می‌شود و بر آن تأثیرگذار است یا خیر. به عبارت دیگر با واکاوی اصول اولیه رجالی و به دست آوردن این روش که آنها در ارزیابی راویان از نقد محتوایی نیز بهره برده و برخی راویان را بر اساس محتوای روایات‌شان توثیق و تضعیف کرده یا مورد پذیرش و عدم پذیرش قرار داده‌اند، آیا تغییری در این مبانی حاصل می‌شود؟

در پاسخ باید گفته شود نقد محتوایی روایات راویان، نظریه چهارم - یعنی پذیرش آرای رجالیان از باب خبرویت - را تأیید و تقویت کرده و نظریات رجالیان از باب حجّیت قول اهل خبره، حجّیت پیدا می‌کند. به عبارت دیگر، وقتی با بررسی اصول اولیه رجالی، ثابت شد که در برخی موارد، ایشان برای ارزیابی راویان، روایات و نگاه‌های آنان را مورد بررسی قرار داده و بر اساس محتوای روایات‌شان، توثیق یا تضعیف کرده‌اند، روشن می‌شود که اظهار نظرهای رجالیان از باب کارشناسی و خبرویت است و در برخی موارد، بر اساس اجتهادات‌شان راوی را ارزیابی کرده‌اند. تمام مواردی که در فصل دوم ارائه شد و عبارات رجالیان در ارزیابی راویان نقل گردید، همگی دالّ بر نقد محتوایی است و بر این مطلب صراحت دارند که آنها برخی راویان را بر اساس بررسی روایات‌شان توثیق یا تضعیف کرده‌اند و این یعنی آنها از باب خبرویت و کارشناس بودن به این کار پرداخته و نظریات رجالی‌شان را بیان نموده‌اند و اجتهادات‌شان را برای ما گزارش کرده‌اند.

افزون بر این، باید دانست که در خبرویت، نیازمند آگاهی‌های متعددی هستیم. برای این که بتوان راوی را از جهت نقل روایات مورد تأیید قرار داد، به مواردی از جمله تاریخ زندگانی او، نوع روایاتی که نقل می‌کند، اوضاع و احوال اجتماعی زمان او و این که در چه جریان‌ها و طیف‌های اجتماعی قرار داشته است، چگونگی رابطه او با اهل بیت علیهم‌السلام، کسانی که از او نقل حدیث کرده‌اند، از چه کسانی نقل حدیث کرده است، آرا و عقاید کلامی او چگونه بوده است و... نیاز است. با توجه به این نکته و نیاز به این آگاهی‌ها برای خبرویت، باید بگوییم اکثر این موارد مانند بررسی نوع روایات راوی، آرا و عقاید راوی و... در اصول اولیه رجالی به چشم می‌خورد. در فصول پیشین، تمام این موارد ارائه شد و نمونه‌هایی که رجالیان با بررسی محتوای روایات راوی، او را توثیق یا تضعیف کرده‌اند بررسی شد. این یعنی رجالیان از نقد محتوایی بهره برده‌اند که نتیجه آن، اثبات نظریه چهارم در حجّیت آرای رجالی که از باب خبرویت است خواهد بود.

نکته مهمی که باید در این جا به آن اشاره کرد، این است که رأی خبره و کارشناس، در صورتی معتبر است که از آن وثوق و اطمینان حاصل شود. بدین معنا که اساس و علت اعتبار نظر شخصی که خبره و کارشناس در یک دانش است، وثوق و اطمینانی است که از وی حاصل می‌شود؛ و گرنه سخن او هیچ اعتباری نخواهد داشت. بنابراین رجوع به اهل خبره، هنگامی معتبر است که از رأی و نظروى اطمینان پیدا کند و به او اعتماد وجود داشته باشد. از این رو نتیجه می‌گیریم که مبنای حجیت آرای رجالیان بر اساس حجیت قول خبره، به همان مبنای وثوق و اطمینان بازمی‌گردد.

نتیجه

نگارنده را برای این موضوع، نتایجی ذکر کرده است:

۱. نقد محتوایی از جایگاه مهمی برخوردار است و در بحث علوم و معارف قرآن و حدیث کاربردی ویژه دارد.
۲. اهمیت حدیث، ورود احادیث ساختگی، آسیب‌پذیری احادیث و سیره عقلا و امامان علیهم‌السلام و دانشمندان، از ضرورت‌های نقد محتوایی حدیث به شمار می‌رود.
۳. نقد سند، نقد متن و نقد منبع از گونه‌های نقد حدیث است.
۴. قرآن، سنت، ضروریات دین و مذهب، عقل، قطعیات حاصل از حس و تجربه و تاریخ، دوری از اضطراب، غرابت و رکاکت از مهم‌ترین معیارهای نقد محتوایی روایات است.
۵. با اثبات نقد محتوایی، مبنای حجیت آرای رجالی از باب خبرویت تقویت می‌شود. در واقع روشن می‌شود که اظهار نظرهای رجالیان در ارزیابی روایان، از باب کارشناسی و خبرویت بوده و در برخی موارد، بر اساس اجتهادات‌شان راوی را ارزیابی کرده‌اند.
۶. بسیاری از روایانی که در کتب رجالی ما توثیق و تضعیف ندارند و یا هرگز نام‌شان ذکر نشده است و در اصطلاح، مهمل و مجهول هستند، با به‌کارگیری نقد محتوایی، دارای توصیفات درخور توجه خواهند شد.

نویسنده در پایان برای پژوهش در این باره، سه پیشنهاد ارائه می‌کند:

۱. روش‌شناسی نقد متنی و محتوایی روایات راویان در اصول اولیه رجالی؛
۲. جایگاه نقد متنی و محتوایی راویان در منابع رجالی متأخر؛
۳. بررسی نقد متنی و محتوایی و تأثیر آن در ارزیابی راویان در سیره فقها.

• کتاب نامه، الفبایی است و از نقاط قوت این پایان نامه، استفاده از منابع فراوان و ارجاع به آنان است. نگارنده با مراجعه به بیش از یکصد و بیست کتاب، چندین سایت و مجلات تخصصی، تلاش وافر خود را تکمیل نموده و پایان نامه ای غنی و پرمحتوا را ارائه کرده است.

• این پایان نامه در کتابخانه مرکز آموزش تخصصی علوم حدیث حوزه علمیه موجود است و علاقه مندان می توانند به آن مراجعه کنند.